

Research Article

Manifestations of Islamic Awakening in National and Patriotic Concepts of Prophetic Lady Musa and Sayyid Ashraf al-Din Gilani

Javad Karakhaneh^{1*}, Mohammad Mehdi Roshan², Ebrahim Namdari³, Zahra Lotfian Nader⁴

Abstract

Nationalism and love for the country are among the central issues and phenomena that have emerged in the literature of Iran and the world, and many poets have created many literary works by following the example of national currents, whose most important poetic themes are the poems of homeland and nationalism, and the most important Their concern was to express the realities of the society and to awaken the people of the society to fight against oppression and tyranny. The present study investigates the various manifestations of Iranian and Arab nationalism during the Arab and constitutional movement of Iran in the poems of Seyida Nabaviya Musa and Ashraf al-Din Hosseini with the method of the American school. The comparative study of the poems of these two poets shows that patriotism and love for the motherland is one of the obvious manifestations and ideas of their thoughts, that the reflection of this patriotism in their poems is so wide that it becomes a stylistic and determining element in the content and linguistic level of the poem. They have become in this research, it has been tried to apply this approach as one of the intellectual approaches of the present era by finding the intersection of the thoughts of these two poets in the nationalist fields through their poems and thoughts.

Keywords: Islamic Awakening, Nationalism, Seyida Nabaviya Musa, Nasim Shomal, The Homeland

How to Cite: Karakhaneh J, Roshan MM, Namdari E, Lotfian Nader Z., Manifestations of Islamic Awakening in National and Patriotic Concepts of Prophetic Lady Musa and Sayyid Ashraf al-Din Gilani, Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, ۲۰۲۴;18(71): 163-180.

1. Assistant Professor, Department of Arabic Literature and Zain, Holy Quran University of Sciences and Education, Tehran, Iran

2. Faculty Member, Payam Noor University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Ayatollah Boroujerdi University, Yarojerd, Iran

4. Master's Degree, Department of Arabic Literature and Zain, Payam Noor University, Tehran, Iran

جلوه‌های بیداری اسلامی در مفاهیم ملی و میهنی السیده نبویه موسی و سید اشرف الدین گیلانی

جواد کارخانه^{۱*}، محمدمهدی روشن^۲، ابراهیم نامداری^۳، زهرا لطفیان نادر^۴

چکیده

ملیت‌گرایی و عشق به وطن از جمله مسائل و پدیده‌های محوری است که در ادبیات ایران و جهان پدید آمده است و شاعران بسیاری با الگو گرفتن از جریان‌های ملی آثار ادبی بسیاری را خلق کرده‌اند که مهمترین مضامین شعری آنها اشعار وطنی و ملی‌گرایی و مهمترین دغدغه‌هایشان بیان واقعیت‌های جامعه و بیدار کردن مردم جامعه برای مبارزه علیه ظلم و استبداد بود (مسئله). پژوهش حاضر با روش مکتب آمریکایی به بررسی جلوه‌های گوناگون ملی‌گرایی ایرانی و عربی در دوران نهضت عربی و مشروطه ایران در اشعار سیده نبویه موسی و اشرف الدین حسینی می‌پردازد (روش). بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر نشان می‌دهد که میهن دوستی و عشق به سرزمین مادری از جلوه‌های بارز و اندیشه‌های آن‌هاست که بازتاب این وطن دوستی در اشعار ایشان آنچنان گسترده است که به عنصری سبک ساز و تعیین کننده در سطح محتوایی و زبانی شعر آن‌ها تبدیل شده است (یافته‌ها). در این پژوهش کوشیده شده است با یافتن تلاقی اندیشه این دو شاعر در عرصه‌های ملی‌گرایانه از خلال اشعار و اندیشه آن‌ها به تطبیق این رویکرد به مثابه یکی از رهیافت‌های فکری عصر حاضر پرداخته شود.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، ملی‌گرایی، السیده نبویه موسی، نسیم شمال، وطن

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران

۲. عضو هیئت علمی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

۴. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

پژواک میهن پرستی، انتقاد اجتماعی، امید به آینده روشن وطن جزو درون مایه شعری بسیاری از شاعران دوره مشروطه است که تحت تأثیر موج بیداری و نهضت اسلامی قرار گرفتند و مسائلی از قبیل آزادی، وطن و انتقادهای اجتماعی را، سر لوحه اشعار خویش قرار دادند. مسئله وطن و آزادی در شعر شاعران این دوره جزء محورهای اصلی است. شاعران این دوره در اشعار خود بیشتر به فرمانروایان افتخار می کنند و از روزگار درخشندگی فرهنگ، تاج و تخت و قدرت آنان و عدالت اجتماعی، شادمانی ها و پیروزی ها سخن به میان می آورند؛ روزگاری که وطن دارای فرماندهان و پادشاهان بسیار نام آوری بوده است؛ اما امروز از آن شکوه و بزرگی چیزی بر جای نمانده است؛ ادبا با این کار به دنبال آگاهی فکری و اندیشه مردم دوران خود هستند به امید آنکه آینده درخشانی داشته باشند و وطن خود را از دست ندهند و به دیگر بیان با یادآوری روزگار باستان، روح آزادی را در آنان پیورود و وطن دوستی در میانشان رسوخ کند. «میهن دوستی و وطن پرستی مفاهیم کهنی هستند که ریشه در احساس تعلق به مکان دارند هر انسانی نسبت به مکانی که در آن زاده شده یا مدت مدیدی در آن مکان زندگی کرده و رشد ونمو؛ داشته است احساس تعلق می کند» (حسن زاده، ۱۳۹۶: ۹۸). «روزنه ورود اندیشه های ملی و وطن پرستی به ایران از طریق اندیشگران عصر قاجار صورت پذیرفت. آنان در حقیقت از سردمداران تفکر ملی گرایی ایران سده نوزدهم بودند» (همان: ۱۰۰). «وطن از عناوینی است که نزد همه انسان ها و نیز ادیان آسمانی بخصوص دین مقدس اسلام، مورد توجه بوده و از قداست و احترام ویژه ای برخوردار است. در آموزه های دینی به محبت و مهرورزی نسبت به آن سفارش فراوان شده است؛ البته از دیدگاه دین اسلام، وطن گرایی نباید جنبه افراطی و منفی به خود بگیرد و بالتبع موجب تبعیض گردد در این راستا باید توجه نمود که حس وطن دوستی غیر از وطن پرستی است.» (مقدس و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۹) در جهان عرب نیز علاقه به میهن دوستی (حب الوطن) به وفور در اشعار شاعران عرب مشاهده می شود. شعر وطنی در جهان عرب، به ویژه در اشعار سیاسی جایگاهی والا دارد؛ در فرهنگ عربی، وطن دارای هزاران مفاهیم است از جمله: فرمانروایان و حاکمان، مسائل مرتبط با میهن، زن، اندیشه و اندیشمندان و... است. «وطن دو بعد دارد؛ بعد سیاسی و بعد اجتماعی که کاملاً با یکدیگر مرتبط هستند و شعر عربی، به ویژه شعر معاصر عربی، پر است از شعور سیاسی، شاید دلیل آن سلطه حکومت بر مردم است که خود دارای مشکلاتی است از قبیل جنگ و صلح، خواسته های انسان، آزادی و... که هر کسی خود را از آن بیگانه نمی داند» (ابوغالی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

بیان مسئله

بدون شک هر ملتی در ادوار زندگی خود با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه می‌شوند و هر دوره برای خود اقتضائات و مواضع گوناگون می‌طلبد. ملیت‌گرایی و ناسیونالیسم از جمله موضوعات و پدیده‌های محوری است که در منابع و آثار شاعران و نویسندگان برجسته سرزمین‌های مختلف بخصوص سرزمین‌های تحت سلطه و استعمار، پدید آمده است. پیدایش ملیت‌گرایی در ایران و مصر از مسائل شایان توجه در ایران و جامعه عرب به شمار می‌رود که پیرامون آن محققان و پژوهشگران مسائل جامعه شناختی ایرانی و عربی نقطه نظرات و دیدگاه‌های گوناگونی داشته و تحلیل‌های مختلفی ارائه داده‌اند.

سیده نبویة موسی و سید اشرف الدین حسینی در گرایش و تمایل به موضوعات بیان شده نمودی از عقاید و اندیشه‌های غنی ملی‌گرایی سرزمین خویش هستند. آنان مانند سایر شاعران هم عصر خویش به دفاع از حریم اشخاص و اجتماع خویش از وضعیت اجتماعی-سیاسی موجود پرداخته‌اند. نبویة موسی و سید اشرف الدین از شاعران دوره معاصر هستند و به سبب داشتن اشتراکاتی چون مسلمان بودن، هم دوره بودن، انتقاد از ظلم و درگیری با کشورهای استعمارگر، تلاش برای آگاهی و بیداری مردمان و مبارزات انقلابی از نظر فکری و ادبی بسیار به هم نزدیک‌اند. هر دو از شاعران متعهد و ادیبی هستند که بن‌مایه دیوانشان از اشعار ملی و وطنی تشکیل شده است. مفهوم وطن برای آنها نه تنها سرزمینی است؛ که در آن متولد شده و زیسته‌اند بلکه وطن برای آنها معنای فراملیتی دارد. بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر بیانگر تأثیر عمیق هر دو شاعر بر اندیشه‌های ملت و آگاه‌سازی و بیداری آنها دارد هر دو شاعر می‌کوشند با قلم شیوا و فصیح خود با بیانی ظریف و هنرمندانه واقعیت‌های موجود در جامعه خود را ترسیم کنند و علیه ظلم و استبداد دشمنان داخلی و خارجی زبان به اعتراض بگشایند.

سؤالات تحقیق

پژوهش حاضر با بررسی زاویه دید دو شاعر معاصر عرب و ایرانی می‌کوشد به این سوالات پاسخ گوید:

وجوه اشتراک و افتراق ملی‌گرایی در اشعار السیدة نبویة موسی و سید اشرف الدین گیلانی چه جلوه‌هایی داشته است؟

تأثیر اشعار این دو شاعر بر اندیشه‌های ملت و مبارزه علیه ظلم و استبداد چگونه است؟

پیشینه پژوهش

در ارتباط با تطبیق جلوه‌های ملی و میهنی در شعر السیدة نبویة موسی و سید اشرف الدین گیلانی پژوهشی انجام نشده است؛ اما در تحقیقات گوناگون آرای ملی و میهنی شاعر ملی‌گرای معاصر سید اشرف الدین حسینی و مقایسه آن با شاعران دیگر مورد بررسی قرار گرفته است: رضا موسی آبادی و

دکتر بتول فخر اسلام (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی مبانئ ناسیونالیسم در شعر احمد شوقی و سید اشرف الدین حسینی» به بررسی جلوه‌های ناسیونالیسم و آزادی خواهی در دو کشور ایران و مصر پرداختند؛ مسعود صوفی نژاد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نسیم مشروطه از شمال» به بررسی اشعار ملی و میهنی سیداشرف الدین در عصر مشروطه پرداخته است؛ وارسته فرامری و افشار نادری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تصویر جامعه در اشعار سید اشرف الدین حسینی» به بررسی اوضاع اجتماعی در عصر مشروطه پرداخته است؛ فریدون آزاده تفرشی (۱۳۸۲) در مقاله «سید اشرف الدین گیلانی انسان وارسته‌ای در مطبوعات» به تأثیر شاعر بر مطبوعات ایران در زمان مشروطیت پرداخته است.

در هیچ یک از پژوهش‌های ذکر شده به قرابت‌های فکری در اشعار السیدة نبویة الموسی و سیداشرف الدین گیلانی در خصوص ملی گرایی اشاره نشده و مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است. این امر باعث جلب توجه به موضوع پژوهش شده است و ضرورت پرداختن به این موضوع را جلوه گر می‌نماید.

روش پژوهش

این مقاله به روش مکتب آمریکایی به مقایسه تطبیقی اندیشه ملی گرایی نزد دو شاعر بزرگ ایرانی و عرب، سید اشرف الدین گیلانی و السیدة نبویة موسی پرداخته است. موضوع محوری مکتب آمریکایی ملیت و فرهنگ است. هم چنین جنبه نقادانه، گستردگی و ظرفیت بیشتری نسبت به دیگر مکاتب دارد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

نسیم شمال و السیدة نبویة موسی هر دو از شاعران بزرگ عصر بیداری بودند. مضامین اصلی در دیوان هر دو شاعر موضوعاتی چون وطن پرستی، عشق به سرزمین مادری، آزادی خواهی، مبارزه علیه ظلم و استکبار، روشنگری و روحیه بخشی به جامعه بوده است. سید اشرف الدین در میان اقشار ضعیف جامعه می‌زیسته و از میان همین مردم برخاسته است؛ به همین دلیل با آلام، مشکلات، درد و رنج مردم به خوبی آشناست. همچنین نبویة موسی شاعر مصری از زنان برجسته انقلابی و مبارز بود که قلم خود را ابزاری برای بیان روشنگری‌ها و درد و رنج‌های مردم مصر قرار داد. بنابراین برای آگاهی از مضامین و محتوای اشعار این دو شاعر لازم و ضروری است که دیوان این دو شاعر مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد.

زندگینامه دو شاعر

السیدة نبویة موسی

نبویة موسی در سال ۱۸۸۶م در روستای ماژول در استان قلیوبیا متولد شد. پس از اخذ درجه لیسانس شروع به نوشتن مقالات روزنامه‌ای که موضوعات آن آموزشی، اجتماعی و ادبی بود؛ معطوف کرد. نبویة موسی علاوه بر انتشار مجلات و روزنامه‌ها به سرودن دیوان شعر پرداخته است این دیوان شامل مجموعه‌ای از شعرها است که با زبان قوی کلمات دقیق انتخاب شده و موضوعات ملی مورد علاقه هر خواننده در تاریخ مصر است با مجموعه‌ای از شعرهای میهن پرستانه آغاز می‌شود که شاعر فضیلت این ملت بزرگ را بر خود و توده مردم مصر در نظر می‌گیرد. وی با بیانی فصیح حوادث مهم و جنبش‌های ملی گرایانه را بیان می‌کند و با انتقاد از اوضاع نابسامان جامعه مردم را به اتحاد و همبستگی فرا می‌خواند. او در مقدمه دیوان اشعارش می‌گوید: «دیوان اشعارم، اگر بتوان آن را دیوان اشعار نامید، بسان دیوان دیگر شاعران، همه‌اش احساس و خیال پردازی نیست؛ بلکه تاریخ مختصر جنبش ملی گرای و بیداری زنان مصریست». (موسی، ۱۹۳۸: ۸)

سید اشرف الدین حسینی

سید اشرف الدین حسینی گیلانی معروف به نسیم شمال شاعر، نویسنده و مدیر روزنامه "نسیم شمال" از روزنامه‌های دوره مشروطیت ایران بود. تحول اساسی در زندگی اشرف الدین هنگامی رخ داد که در سال ۱۳۲۴ ه.ق به رشت مهاجرت کرد و با رهبران مشروطیت در گیلان آشنا شده و به شدت تحت تأثیر موج بیداری روشنفکران زمان و اندیشه‌های آزادی خواهانه آنان قرار گرفت. "نسیم شمال در عصری آلوده به ستم و حق کشی زندگی می‌کرد. او سعی نمود با قلم خویش مردم را از خواب غفلت بیدار سازد؛ زیرا «درد آشنای زمانه خویش بود و قلمش را در این طریق و جانش را در این مسیر فرسود» (شیخ‌لووند، ۱۳۸۴: ۳۵۴).

جلوه‌های مشترک ملی گرای در شعر السیدة نبویة موسی و سید اشرف الدین گیلانی

شاعران و نویسندگان نقش برجسته‌ای در آگاهی و بیدارسازی ملت‌ها دارند و می‌توانند با قلم خود سرنوشت ملت‌ها را تغییر دهند. السیدة نبویة موسی و سید اشرف الدین از شاعران برجسته و ادیبان متعهد بودند که شعر خویش را وسیله آزادی ملت خویش و رهایی از ظلم و استبداد قرار دادند. با عنایت به مطالب بیان شده مهم‌ترین شاخصه‌های ملی گرای در اشعار نبویة موسی و سید اشرف گیلانی را بیان کرده و به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

میهن پرستی و عشق به سرزمین مادری

یکی از شاخه‌های ملی‌گرایی، میهن دوستی و عشق به وطن است. «میهن دوستی و وطن پرستی مفاهیم کهنی هستند که ریشه در احساس تعلق به مکان دارند هر انسانی نسبت به مکانی که در آن زاده شده یا مدت مدیدی در آن مکان زندگی کرده و رشد و نمو؛ داشته است احساس تعلق می‌کند» (حسن زاده، ۱۳۹۶: ۹۸). «روزنه ورود اندیشه‌های ملی و وطن پرستی به ایران از طریق اندیشگران عصر قاجار صورت پذیرفت. آنان در حقیقت از سردمداران تفکر ملی‌گرایی ایران سده نوزدهم بودند» (همان: ۱۰۰). «وطن از عناوینی است که نزد همه انسان‌ها و نیز ادیان آسمانی بخصوص دین مقدس اسلام، مورد توجه بوده و از قداست و احترام ویژه‌ای برخوردار است. در آموزه‌های دینی به محبت و مهرورزی نسبت به آن سفارش فراوان شده است؛ البته از دیدگاه دین اسلام، وطن‌گرایی نباید جنبه افراطی و منفی به خود بگیرد و بالتبع موجب تبعیض گردد در این راستا باید توجه نمود که حس وطن دوستی غیر از وطن پرستی است.» (مقدس و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۹) در جهان عرب نیز علاقه به میهن دوستی (حب الوطن) به وفور در اشعار شاعران عرب مشاهده می‌شود. وطن یکی از تکرار شونده‌ترین واژه‌ها در نسیم شمال و دیوان نبویه موسی می‌باشد.

نسیم شمال در ابیات زیر از وطن به عنوان «مادر» یاد می‌کند. مادری که فرزندانش از سوگ و غم از دست دادنش اظهار غم و اندوه می‌کنند و تمامی مردم به خصوص نوجوانان از این مصیبت ماتم زده هستند. «لعل، گنج، گوهر» که در ابیات ذکر شده نشان از فراوانی و سرمایه‌های ملی دارد که توسط خائنین غارت شده است.

عریان ز چیست پیکرت ای مادر عزیز؟
شد خاک تیره بسترت ای مادر عزیز!
کو لعل و گنج و گوهرت، ای مادر عزیز
نویاگان تو ز غمت در عزا، وطن
بی کس وطن، غریب وطن، بینوا وطن

(حسینی، ۱۳۶۵: ۴۷-۴۶)

نسیم شمال در ابیات زیر غم، اندوه و افسوس خود را بخاطر از دست دادن قدرت و عظمت کشور ایران ابراز می‌کند. زاغ و زغن بر جای بلبل، تکیه زده‌اند. این دو پرنده نمادی از بد شومی و نحوست هستند که جایگزین بلبل که در سراسر جهان نماد خوش یمنی و زیبایی هست؛ شده‌اند.

ای دل غافل بر احوال وطن خون گریه کن
ای دریغا دستخوش شد کشور کاووس کی
خیز ای غافل به این دشت و دمن خون گریه کن
آه و واویلا که عمر مملکت گردید طی
جای بلبل تکیه زد زاغ و زغن خون گریه کن
جای رطل جام می غولان نهادستند پی

(همان: ۱۶۵-۱۶۶)

نسیم شمال در ابیات زیر وطن را به حضرت یوسف تشبیه کرده که در دهان گرگ تنها و بی کس مانده است و این چنین ناراحتی خود را ابراز می‌کند:

ای غرقه در هزار غم و ابتلا وطن	ای در دهان گرگ اجل مبتلا وطن
ای یوسف عزیز دیار بلا وطن	قربانیان تو همه گلگون قبا وطن
بی کس وطن، غریب وطن، بینوا وطن	

(همان: ۴۶-۴۷)

نبویة موسی نیز در اظهار علاقه شدید به وطن مانند نسیم شمال از واژه مادر به عنوان رمز بهره برده است و غم و غصه ی خویش را برای وطن از دست‌رفته و غارت خائنین بیان کرده است. شاعر مصر را افتخار شهرها و روستاها می‌داند و آن‌را مادر آمون خطاب می‌کند. وی از مردمان سرزمین مصر می‌خواهد صبور باشند به امید روزی که وطن روی آرامش و امنیت به خود ببیند و هیچگاه دچار خیانت و تجاوز نشود.

یا مصر یا فخر المدائن والقری	کم لَجْ دهرک فی العناد وأکثرا
یا أمّ آمون غدوت بحاجة	لذکائه المخبوء فی جوف الثری
لو کان حیّا ما تجاسر لوردّهم	أن یستبد بما أبان وأظہرا
یا مصر هذا شأن دهرک فاصبری	لا تجزعی مما أکنّ وأضمرا

(نبویة موسی، ۱۹۳۸: ۹)

ترجمه: ای مصر ای افتخار همه شهرها و روستاها، زمانه چقدر لجوج شده و کینه توز؛ ای مادر آمون! هم اکنون نیازمند آن هوش پنهان در زیر خاکت هستیم؛ اگر آمون زنده بود؛ لُردها و نجیب زاده-های انگلیسی جرأت عرض اندام نداشتند؛ ای مصر! رسم زمانه همین است، پس در مقابل دشمنی‌ها و کینه توزی‌های روزگار، بیقراری مکن.

در ابیات زیر شاعر کشور مصر را افتخار و مایه شادمانی و تاریخ باستان می‌داند.

یا مصر یا بهجة التاریخ والأثر	وروضة زانها الرحمن بالدرر
-------------------------------	---------------------------

(همان: ۱۲)

ترجمه: ای مصر! ای افتخار تاریخ و باستان و ای گلی که خداوند رحمان با دُر و گوهر زینتت بخشیده است.

وهم چنین شاعر در ابیات زیر شدت عشق و علاقه خود را به سرزمین مصر و مردمانش بیان می‌دارد و این علاقه آنقدر عمیق است که اگر اشتباهی از مردمان مصر سر بزند شاعر باز آنها را دوست خواهد داشت.

أَحَبُّ مِصرَ وَأَهْلِهَا وَإِنْ غَبِنَا وَأَسْتَشِيطُ لَهُمْ مِنْ عِزَّةٍ غَضِبَا

(همان: ۱۳)

ترجمه: مصر و مردمانش را دوست دارم هرچند به من زیان رسانند، و بخاطر عزت و بزرگیش غضبناک می‌شوم.

دعوت به اتحاد و همبستگی

«در هر ملتی وحدت و همبستگی مردم موجب تلاش مشترک برای دستیابی به اهداف ملی و مانع وقوع طغیان و کینه توزی‌ها می‌شود. این مهم راه رسیدن به سعادت را که غایت و نهایت محسوب می‌شود فراهم می‌کند» (عیوضی، ۱۳۸۶: ۷).

در زمان انقلاب مشروطه که بذر تفرقه و نفاق توسط دشمنان خارجی و منافقان داخلی کاشته می‌شد سید اشرف الدین شاعر ادیب و متعهد مسلمانان را به اتحاد و پرهیز از تفرقه دعوت می‌کرد. در ابیات زیر شاعر ضمن یادآوری اصول مشترکی چون کتاب، قبله و دین، مردم را به صبر و همبستگی و پرهیز از کینه توزی و دشمنی دعوت می‌کند.

حدیث بصره و بغداد در مدینه ز چیست؟	میانه دو برادر نفاق و کینه ز چیست؟
شویم شهره آفاق در سرافرازی	برای مذهب خود می‌کنیم جانبازی
به حق قسم سخن بی فروغ می‌گویند	خدا گواست تمامی دروغ می‌گویند
برادران وطن و دین ما یکی است، یکی	کتاب و قبله و دین خدا یکی است، یکی
رساله در بغل ماست روز و شب تالاله	مقلد علماییم جملگی والاله
به حق قسم سخن بی فروغ می‌گویند	خدا گواه تمامی دروغ می‌گویند

(حسینی، ۱۳۵۶: ۷)

در جای دیگری ضمن هشدار دادن مردم نسبت به بحران‌های سیاسی زمان، ایشان را به بردباری و صبوری، دعوت می‌کند:

می‌شود به هر هفته پایمال کابینه	از خصومت اشخاص و زنفاق دیرینه
الحذر از این بحران الامان از این کینه	می‌زند از این تغییر خلق بر سر و سینه
در جبین این کشتی نور رستگاری نیست	چاره بهر این ملت غیر بردباری نیست

(همان: ۵۶)

نبویة موسی مانند اشرف الدین گیلانی مردم کشورش را به اتحاد و همبستگی دعوت می‌کند و با یادآوری عزت و شکوه گذشته سعی در بیداری غرور و غیرت مردمان سرزمینش دارد و به آنها هشدار می‌دهد به پا خیزند و با همبستگی و اتحاد یکدیگر را یاری دهند.

غدا فخرکم أحدوثة و کلاماً	کفی فشلاً یا قوم این اتحادکم
جیوشا لفرط البؤس صرن عظاماً	دعوا الفخر بالماضی وقوموا فساعدوا

(نبویه موسی، ۱۹۳۸: ۲۳)

ترجمه: شکست بس است، ای قوم! اتحادتان کجا رفته است؟! افتخار و شکوهتان فقط داستان و سخن است (بر باد رفته است)؛ افتخار به گذشته را وا نهید، برخیزید و به کمک ارتشی بروید که بخاطر نومیدی، چیزی جز استخوان از آنان باقی نمانده است. او همچنین در مورد گروه‌ها و حزب‌هایی که در مصر ایجاد شده بیان می‌کند سرانجام نفاق و تفرقه چیزی جزویرانی نیست. پیروزی و رسیدن به هدف در گرو وحدت و همبستگی به وفاداری به اعضای حزب است.

ونحن علی ولانک مْجمعونا	فلا والله ما فینا انشقاق
وحرصا کان ذلک أوْ طُنونا	وقدکان الخلاف علی هواک
وتذهب ریْحکم فی الذاهبینا	ولا تتفرقوا شعباً تضلّوا

(همان: ۳۱)

ترجمه: به خدا قسم تا زمانی که تو (وطن) را دوست داشته باشیم؛ بینمان جدایی نخواهد افتاد؛ اختلاف بین ما بخاطر عشق به توست، حال یا از سر حرص و یا از سر گمان؛ از هم فاصله نگیرید که گمراه خواهید شد و اثری از شما باقی نخواهد ماند. شاعر در ابیات زیر پیشرفت و ترقی سرزمین مصر را در گرو اتحاد و تلاش و کوشش و عدم تفرقه و اختلاف می‌داند.

ترقی إلى نیل المُرَاد	إِنَّ الشعوب بالاتحاد
ف فذاک مدعاة الفساد	فدعوا التنافر والخلا
مر فإنّها خیر البلاد	و تعاونوا فی رفع مصر
عة والرّقي والاجتهاد	بلد الحضارة والصنا

(همان: ۱۴)

ترجمه: مردم با اتحاد و همبستگی به آرزو و خواسته خود می‌رسند؛ دشمنی و اختلاف را رها کنید که منبع فساد است؛ برای پیشرفت مصر همکاری کنید که بهترین سرزمین‌ها است؛ سرزمین تمدن، صنعت، پیشرفت و تلاش.

امید به آینده روشن

ترسیم آینده‌ای روشن برای کشور یکی دیگر از مؤلفه‌های حائز اهمیت ملی گرایی است. فقدان امید و آرزو در جامعه، یأس، دلمردگی، افسردگی و غم را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. جامعه‌ای که امید در آن بالا باشد همواره با پویایی، سرزندگی و پیشرفت همراه است. می‌توان گفت امید به آینده روشن ناشی از «اعتقاد خاص شیعیان به فرج بعد از شدت است. شیعیان معتقد به وجود امام زنده و ظهور او، در موعد مناسب هستند؛ امامی که آخرین منجی بشر بوده و ظهور او مترادف با تحقق یافتن همه خوبی‌هاست.» (طالب پور، ۱۴۰۱: ۴۷) شاعران و نویسندگان ضمن اینکه از اوضاع نابسامان جامعه انتقاد می‌کردند در پس تاریکی‌ها و ظلم و ستم ظالمان آینده‌ای درخشان برای جامعه ترسیم می‌کردند و بارقه‌های امید و نشاط در دل مردم می‌افروختند. نسیم شمال در ابیات زیر، اینچنین امید و آرزو را به مردم ایران نوید می‌دهد:

می‌شود دنیا به کام اهل ایران، ای نسیم	می‌نماید شادکامی هر مسلمان، ای نسیم
آفتاب معرفت گردد درخشان، ای نسیم	نور باران می‌شود این شهر تهران، ای نسیم

(حسینی، ۱۳۵۶: ۲)

شاعر در ابیات زیر به بهبودی و سامان گرفتن شهرهای ایران امیدوار است:

دارم امید ایران شود خوب	قزوین شود خوب، زنجان شود خوب
کرمان و یزد و کاشان شود خوب	تبریز و رشت و تهران شود خوب

(همان: ۹)

نبویه موسی در دیوان خود از مصر به عنوان نیل یاد کرده است. رود نیل را مورد خطاب قرار می‌دهد و آن را ارزشمندترین سرمایه می‌داند که برآورده شدن تمامی آمال و آرزوها به دست او محقق می‌شود.

یا نیل أنت أجل ما يُرجى لنا	هل كان إلّا في ورودك عزّا
تأتی فتكسو الأرض أثواب الهنا	و تحقق الآمال فينا والمني

فاسلم على الأيام يا أقوى معين

(نبویه موسی، ۱۹۳۸: ۱۵)

ترجمه: ای نیل! تو بزرگترین آرزوی ما هستی، جریان تو همیشه سبب عزت و بزرگی ما بوده است؛ جاری می شوی و زمین را لباس خوشبختی می پوشانی و آرزوهای ما را برآورده می کنی؛ پس ای قویترین کمک کار همیشه سالم بمان.

در جای دیگر شاعر مصر را به بهشتی تشبیه می کند که سعادت و رستگاری ابدی در انتظار اوست:

یا مصر أنتِ جنة فیها النعیم المنتظر

(همان: ۱۵)

ترجمه: ای مصر! تو همان بهشتی هستی که در آن انتظار نعمت می رود.

نبویة موسی از فرزندان و کودکان سرزمین مصر می خواهد تلاش و مجاهدت خود را برای سربلندی و شکوه مصر به کار گیرند و هرگز نا امید نشوند چرا که یأس و نا امیدی در جامعه با شکست همراه خواهد بود. جامعه زمانی مجد و عظمت دارد که مردمانش از امید و آرزوی خوب بهره مند باشند.

فاسعوا بنی مصر نئل	من دهرنا مَجْدُ الأوَّل
لا یقَعْدَنَّ بِکُمْ مَلَلٌ	فالیأس مدعاة الفشل
والحظ یدنیه العمل	ویذوده عنا الکسل
والمرء یحظى بالأمل	مادام مقداماً بطل
والجِدُّ مفخرة الدول	وعلیه یرتکز الظفر

(همان: ۱۵)

ترجمه: ای فرزندان مصر بکوشید تا به مجد و بزرگی پیشینمان برسیم؛ خستگی شما را از پا در نیاورد، نومییدی سبب شکست است؛ کار و کوشش، شانس می آورد و تنبلی، نابودکننده آن است، آدمی با آرزو، خوشبخت می شود تا وقتی که شجاع و قهرمان باشد؛ جدیت و تلاش، افتخار حکومت هاست و پیروزی بر پایه آن استوار است.

جلوه‌های متفاوت ملی گرایی در شعر السیدة نبویة موسی و سید اشرف الدین گیلانی

دو شاعر علی رغم اشتراکاتشان، در مواردی هم برای دعوت به بیداری و قیام، اختلاف نظر دارند و هر یک از روش خاص خود بهره می چوید که در زیر به آن‌ها اشاره می شود:

جنبش اقتصادی

اوضاع اقتصادی جامعه تحت تاثیر سیاست‌های نادرست حکومت قاجار و بی کفایتی شاهان قجری روزبه‌روز وخیم تر می شد تا حدی که مردم برای تهیه مایحتاج زندگی دچار مشکلات عدیده ای بودند از

احتکار قند گرفته تا کمبود آرد و گندم در شهرهای مختلف در کنار این مشکلات خودکامگی و بی‌تدبیری شخصیت‌هایی چون علاء الدوله موجبات خشم و نفرت مردم را برانگیخته بود. مردمانی که از بیکاری، گرانی، قحطی و... رنج می‌بردند.

در دیوان نسیم شمال تضاد طبقاتی، فاصله اجتماعی و فقر غالباً با نماد غذا تبلور یافته است:

در سفره ارباب پر مرغ و مسمن	قرقاوول و جوجه غرقابه روغن
مرغابی و اردک گردیده فسنجن	با زمزمه ای قیمه گوید به متنجن
از ماهی آزاد لذت حالا وخته	از لذت دنیا محروم دهاتی
عریان و برهنه مظلوم دهاتی	از سیلی فراش مغموم دهاتی

بر حاکم ظالم محکوم دهاتی

(حسینی، ۱۳۵۶: ۱۶۳-۱۶۴)

در ابیات زیر شاعر، اشاره به وضعیت معیشتی مردم می‌کند که غذاهای گران و اعیانی مخصوص طبقه بزرگان و اشراف است در حالی که مردمان عادی در تهیه مایحتاج اولیه زندگی ناتوان هستند.

هرکجا دیدید مرغی با خروس	در فسنجان همچو داماد و عروس
از من و دوران من یاد آورید	از دل بریان من یاد آورید
هرکجا مرغ و فسنجان می‌خورید	همچو پندارید با من می‌خورید

(همان: ۱۳۰-۱۳۱)

نسیم شمال در ابیات زیر به موضوع قحطی و احتکار قند و تأثیرگزاف آن بر گرانی اجناس اشاره می‌کند. این عوامل موجبات ضعف جسمی شاعر شده است.

امسال چرا قحط شده کشمش قزوین؟
 کو شانی شیرین؟
 گویا که دخو طالع اند سرطان است
 چون قندگران است

...

چشم از غم هجران شما اشک فشان است
 چون قند گران است

از گرسنگی جسم ضعیفم شده خیره، چشمم شده تیره

(همان: ۸۷)

نبویة موسی به صورت کلی فقر و اوضاع وخیم معیشتی جامعه مصر را مطرح کرده است. نبویة موسی بر خلاف اشرف الدین که با زبان نیش و کنایه، اعتراض خود را نسبت به وضعیت موجود در جامعه مطرح می‌کرد؛ با جدیت به وضعیت معیشتی و سلطه و چپاول بیگانگان اعتراض می‌نماید و از مردمان سرزمینش می‌خواهد برای مجد و ترقی سرزمین مصر تمام توان و تلاش خود را به کار گیرند. وی در ابیات زیر اشاره به ثروت‌ها و سرمایه‌های از دست رفته سرزمین مصر می‌کند. شاعر بیان می‌کند کشورهای غربی اگر بانک یا مدرسه‌ای در مصر تأسیس می‌کنند هدفشان اصلاحات نیست بلکه ابزار و وسیله‌ای برای چپاول ثروت‌های مصر دارند.

إِنَّ أَسْبَابَ الْمَعَالَى جَمَّةٌ يَبْلُغُ الْمَقْصُودَ مِنْهَا مِنْ أَجَادِ
وَبَلَادِ النَّيْلِ يَجْبِي خَيْرَهَا صَانِعُو الْغَرْبِ وَتُجَّارُ الْبِلَادِ

(نبویة موسی، ۱۹۳۸: ۱۷)

ترجمه: اسباب پیشرفت بزرگی، همه فراهم است و کسی می‌تواند به آن برسد که خوب برنامه ریزی کند؛ اما خیر و منفعت سرزمین نیل (مصر) را صنعتگران غربی و تاجران کشورها، به تاراج می‌برند. نبویة موسی در ابیات زیر خطاب به مردمان سرزمینش بیان می‌دارد مبارزه با غرب از راه شمشیر و جنگ و خونریزی فایده ندارد بلکه مبارزه و جنگ اقتصادی کنید و علیه چپاول و غارتگری غربیان سکوت نکنید.

إِنَّ حَرْبَ السِّيفِ لَا تَقْوِي لَهَا فَلْتَقِمِ يَا قَوْمَ هِجَا الْاِقْتِصَادِ

(همان: ۱۷)

ترجمه: جنگ شمشیر دیگر توان مقابله با آن را ندارد، ای ملت! برای جنگ اقتصادی قیام کنید. شاعر در ابیات زیر مرگ را شیرین‌تر و گواراتر از زندگانی می‌داند که سراسر فقر و نیازمندی است. فقری که بیماری و رنج و حقارت را به همراه دارد.

وَالْمَوْتُ أَحْلَى مِنْ حَيَاةِ كُلِّهَا ذُلُّ نَقَاسِيهِ وَفَقْرُ يُسَقِّمِ

(همان: ۲۴)

ترجمه: مرگ از زندگی‌ای که همه‌اش خواری کشنده و فقر و نداری زیان‌آور است، شیرین‌تر است.

دین

تعصب دینی و دین‌مداری یکی از مهمترین مؤلفه‌های ملی‌گرایی در ملت‌های ایران و اعراب به شمار می‌رود. راهبرد تقوا اساسی‌ترین مفهومی است که جایگاه ویژه‌ای در منظومه فکری اسلامی به خصوص در قرآن کریم دارد. به عنوان مثال در آیه: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (آل عمران/ ۱۲۰) ترجمه: و اگر شما صبر پیشه کنید و پرهیزکار باشید مکر و عداوت آنان آسیبی به شما نرساند، که همانا خدا بر آنچه می‌کنید محیط و آگاه است. می‌توان آیه فوق را یکی از بارزترین و صریح‌ترین آیات در موضوع تأثیر تقوا و دینداری دانست. (گوشه نشین و نامداری، ۱۴۰۱: ۱۱۳) شاعران و نویسندگان مذهب را وسیله اتحاد و انسجام میان ملت و حتی میان ملل می‌بینند. از میان شاعران دوره مشروطه اشرف الدین گیلانی از آن دسته شاعرانی است که دیوانش سراسر آمیخته از اعتقادات عمیق دینی و مذهبی است. در واقع دین و مذهب اولین دریچه‌ای است که شاعر با این دیدگاه به مسائل اجتماعی، سیاسی و وطنی می‌نگرد.

ابیات زیر از نسیم شمال تعصب و دین‌مداری شاعر را نشان می‌دهد. لذا دغدغه شاعر حفظ دین اسلام و عدم تسلط و نفوذ بیگانگان بر مملکت و آیین اسلام است.

اجنبی شد حمله بر مذهب و آیین ما	ای دریغا می‌رود هم مملکت هم دین ما
دشمن بیگانه آمد بر سر بالین ما	ای دریغا می‌رود هم مملکت هم دین ما
حکم آیات نجف گردید صادر الجهاد	امر قطعی گشته صادر از مصادر الجهاد

(حسینی، ۱۳۵۶: ۴۱۲-۴۱۳)

در ابیات زیر نسیم شمال از پیمان دوستی بین دولت ایران و عثمانی شادمان است و مسلمانان را به اتحاد اسلامی و برابری و برادری دعوت می‌کند. ابیات زیر بیانگر این نکته است که شاعر راه اعتدال و میانه روی را پیش گرفته ضمن حمیت و غیرت دینی، افراط و تفریط نمی‌کند و مسلمانان را برادر یکدیگر می‌داند.

این عقد اخوت باز شد تازه مبارک باد	پیچیده به هفت اقلیم آوازه مبارک باد
این شیعه و سنی باز یک روح و دو پیکر شد	ایرانی و عثمانی امروز برادر شد
ایرانی و عثمانی هستند یکی پایه	هم مشرب و هم قبله، هم مذهب و همسایه
گرتابع قرآنیم پس شیعه و سنی چیست؟	گر جمله مسلمانیم پس هیچ تفاوت نیست

(حسینی، ۱۳۹۲: ۴۶۶-۴۶۷)

در ابیات زیر اشرف الدین به عناصر مشترک مسلمانان کتاب، قبله و دین واحد اشاره می‌کند. لذا شاعر از مسلمانان می‌خواهد تفرقه و نفاق را کنار بگذارند و با هم متحد شوند. همچنین به پیروی و اطاعت از عالمان دینی تأکید دارد.

حدیث بصره و بغداد در مدینه ز چیست؟	میانہ دو برادر نفاق و کینہ ز چیست؟
شویم شہرہ آفاق در سرافازی	برای مذهب خود می‌کنیم جانبازی
به حق قسم سخن بی فروغ می‌گویند	خدا گواست تمامی دروغ می‌گویند
برادران! وطن و دین ما یکی است، یکی	کتاب و قبله و دین خدا یکی است، یکی
رساله در بغل ماست روز و شب تالہ	مقلد علماییم جملگی واللہ

(حسینی، ۱۳۵۶: ۷)

دیوان نبویة موسی برخلاف نسیم شمال سراسر آمیخته از مذهب و تعصب دینی نیست. صبغه دینی به صورت کمرنگ در اشعار نبویة موسی به چشم می‌خورد. شاعر بیشتر تکیه بر مسائل اجتماعی و سیاسی و تعلیمی کرده است و جز ابیات اندکی که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود، مورد دیگری که صبغه دینی داشته باشد یافت نشده است. در ابیات زیر شاعر بر عزت و شکوهی که دین اسلام در زمان فتوحات و فرمانروایی خلفا داشت و اکنون آن مجد و عظمت از دست رفته، تأسف می‌خورد.

فأیقظ للمجد العدو وناما	سلاماً علی الاسلام قد زال عؤہ
غدت أرضها للطامعين طعاماً	سلاماً علی دارالخلافة انہا

(نبویة موسی، ۱۹۳۸: ۲۳)

ترجمه: سلام بر اسلام (فاتحه اسلام را باید خواند) که عزت و بزرگیش از بین رفته است، دشمن را برای کسب مجد، بیدار کرد و خودش خوابید؛ سلام بر دارالخلافة (فاتحه آن را نیز باید خواند) که طمع-کاران به زمینش چشم دوخته‌اند. نبویة موسی در ابیات زیر اشاره دارد که دین اسلام زمانی بر مصر حاکم بوده است.

یزهو ببهجة مُلِکِک الاسلام	طافوا بعرشک هاتفین وهکذا
نعم المعین وللرقي قوام	فلأنت للدين العِمادُ وللحِجَا

(همان: ۳۳)

ترجمه: فریادزنان به دور عرش تو، طواف می‌کردند، اسلام به آبادانی ملک تو افتخار می‌کند؛ تو ستون دین هستی و بهترین یاور عقلانیت و اساس پیشرفت هستی.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی جلوه‌های ملی‌گرایی در اشعار نبویه موسی و اشرف الدین گیلانی نتایج زیر بدست آمده است: نبویه موسی و سید اشرف الدین هر دو از شاعران دوره معاصر هستند و به سبب داشتن اشتراکاتی چون مسلمان بودن، هم دوره بودن، انتقاد از ظلم و درگیری با کشورهای استعمارگر، تلاش برای آگاهی و بیداری مردمان و مبارزات انقلابی از نظر فکری و ادبی بسیار به هم نزدیک اند. نبویه موسی و سید اشرف الدین هر دو از شاعران متعهد و ادیبی هستند که بن‌مایه دیوانشان از اشعار ملی و وطنی تشکیل شده است. مفهوم وطن برای آنها نه تنها سرزمینی است؛ که در آن متولد شده و زیسته‌اند بلکه وطن برای آنها معنای فراملیتی دارد. بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر بیانگر تأثیر عمیق هر دو شاعر بر اندیشه‌های ملت و آگاه‌سازی و بیداری آنها دارد هر دو شاعر می‌کوشند با قلم شیوا و فصیح خود با بیانی ظریف و هنرمندانه واقعیت‌های موجود در جامعه خود را ترسیم کنند و علیه ظلم و استبداد دشمنان داخلی و خارجی زبان به اعتراض بکشایند. نبویه موسی و سید اشرف الدین در فضای اختناق و تاریک جامعه، آینده‌ای روشن و درخشان برای ملت، ترسیم می‌کنند و با تزریق روحیه و نشاط، به نوعی ترس و ناامیدی را از مردمان مبارز می‌زدایند و آنها را به مبارزه و پایداری در برابر تمامی عوامل ظلم و استبداد، ترغیب و تشویق می‌نمایند. دیوان نسیم شمال آمیخته از طنز، هزله‌گویی و استفاده از نماد و سمبل است؛ در مقابل دیوان نبویه موسی خالی از طنز و هزله‌گویی است و بیشتر با زبان جدیت به مسائل اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه می‌پردازد.

منابع

قرآن کریم

أبوغالی، مختار علی (۱۹۹۵). *المدينة في الشعر العربي المعاصر*، الكويت: عالم المعرفة، المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب.

آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*، چاپ اول، تهران: نشر نی.

حسینی، سید اشرف الدین (نسیم شمال) (۱۶۴۱). *باغ بهشت*، تهران: مطبوعاتی حسینی.

شیخ‌لووند، فاطمه (۱۳۸۴). *بررسی شعر سید اشرف الدین حسینی*، شاعر مردم. یادنامه اشرف الدین حسینی. به اهتمام علی اصغر محمد خانی، تهران: سخن.

علی بابایی، داوود (۱۳۸۴). *جامعه، فرهنگ و سیاست در اشعار سید اشرف الدین گیلانی*، تهران: امید فردا.

الفاخوری، حنا (۱۹۸۶). *الجامع فی تاریخ الأدب العربی*، بیروت: دار الجیل.

فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۶). *گیلان در جنبش مشروطیت*، چاپ اول، تهران: انتشارات جاویدان.

موسی، نبویه (۱۹۳۸). *دیوان السیدة نبویه موسی*، قاهره: مؤسسه هنداوی.

مقالات

آجودانی، ماشاءالله (۱۳۷۲). «درون مایه های شعر مشروطه». **ایران نامه**، سال یازدهم، شماره ۶، صص ۶۲۱-۶۴۶.

طالب پور، دانا (۱۴۰۱). «رهیافت تطبیقی تبلور اندیشه بیداری اسلامی در سروده‌های سمیع صباغ و قیصر امین پور». **مجله مطالعات بیداری اسلامی**، سال یازدهم، شماره سوم (پیاپی ۲۵)، صص ۵۳-۲۷.

ظهیری ناو، بیژن (۱۳۹۴). «نقدوتحلیل اشعار نسیم». دانشگاه مقدس اردبیلی. ش ۴ و ۶.

عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۶). «اتحاد و انسجام؛ زمینه‌های شکل گیری». **ماهنامه زمانه**، شماره ۶۳.

گوشه نشین، فاطمه و ابراهیم نامداری (۱۴۰۱). «راهکارهای مواجهه با تهدیدات جنگ نرم در قرآن بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری». **مجله مطالعات بیداری اسلامی**، سال یازدهم، شماره دوم (شماره پیاپی)، صص ۱۲۲-۱۰۳.

مقدس، حسین؛ حسنعلی نوروزی آزارکی؛ جواد کارخانه (۱۳۹۹). «بررسی مهمترین مؤلفه‌های آموزه‌های دینی حوزه ادبیات پایداری در اشعار انقلاب اسلامی». **مجله مطالعات بیداری اسلامی**، سال نهم، شماره هجدهم، صص ۱۸۷-۱۶۵.

موسی آبادی، رضا و دیگران (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی مبانی ناسیونالیسم در شعر احمدشوقی و سیداشرف الدین حسینی». **فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد یزد**، شماره ۳.

وارسته فر، افسانه؛ دلشاد عامری و افسر افشاری نادری (۱۳۸۹). «تصویر جامعه در اشعار سید اشرف الدین گیلانی «نسیم شمال». **پژوهش نامه فرهنگ و ادب**، سال ششم، شماره ۱۰، صص ۳۹۴-۳۷۲.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: کارخانه جواد، روشن محمد مهدی، نامداری ابراهیم، لطفیان نادر زهرا، جلوه‌های بیداری اسلامی در مفاهیم ملی و میهنی السیدة نبویة موسی و سید اشرف الدین گیلانی، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۷۱، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱۸۰-۱۶۳.